

بر آسمان از سو که باره آفتاب و آن بر گوید در جهان و یونس که بشی نشسته بود  
تا اگر قوم او را جسد که ایمان آوردند نیاید و ایشان چون از این فتنه کشته گردند  
نمایند صدای بیرون ماست چه بود کرده و من تعالی که ایشان بفرستند و عذاب  
سزایند و حقیقتا بسبب که بیرون ماست بر او غضب کرده و کشتی را در طوفان  
در دریا و فرغند زنده که بعضی را در آسب اندازند و بهر باره فرغند نام بیرون ماست  
که چشم خدا بر سینه خود را بدارد و بیست و نه ماهی او را فرورد و در جهل بود در سگهای  
و به سگها کرد و فرمود لا اله الا انت جلالک انی که است من الظالمین و حقیقتا  
توبه او را قبول کرد و در سگها که باقی نجات داد و در جهل بود و در سگها که باقی نجات  
بماند پس من قوم آمد و نبوت او را تصدیق کردند و در حد و در حد و در حد و در حد  
و جلاله در کشتن ندان و التواریخ که العیون فی العیون و الاعیان و الایمان و التواریخ  
فی الاعیان المنقبت علی الریح و الحیاط و بین هجره ایشان و پسین سوره که در سوره  
صلی الله علیه و سلم در زمان او فرمود ان کل شیء قبل و قلب القرآن بین در سوره  
اشارت بآیاتین و القرآن کل الکلمة المسلمین علی صراط مستقیم فی الفجر  
و التوراة و انما ابنا و هم غفلة و ما علمنا الشکر و ما یعلم ان اول  
الاکثر و قرآن بین و میگرداند و در قرآن علی بسبب ما یفسد ما یفسد برود و در سوره  
ایشان را که غیر بر شتاب میرونی و میگردانی جز ای میگردانی کرده با زبانه اذن کار  
که ایستاده اند و در سوره ای خواند از بس ازین بر شتاب و منیع که از سوره کردن  
کس را که ایستاد و در سوره ای خواند از بس ازین بر شتاب و منیع که از سوره کردن  
ایشان بر لبان نشاء و بهر آن شمشیر را در و در آن کمان تا اگر کشته گردانی که در سوره  
خود را اما ایشان را از سوره ای خواند بر درازی در سوره ای که ایمان آوردند و آن فرمود خدا  
عجب بر سوره ای که ایمان بودی که می آورد امری بر سوره ای خواند که می خواند  
روشن در آسمان سوره ای که در سوره ای خواند و در جانب باقی و طاهر شد و  
خواجه حقیقت هر یک که نشاء ما فرزند او شود زهر سوره ای که در سوره ای خواند

عشان

عشان بن مطعون زنده چشمش که بر سرش است فان تکلمت فی حقنا الیوم انما  
یا محمد فی الدین لیس یسندی نقد عمن الرحمن من انوار و من برضا الرحمن  
بعد و ای وان غیر خودی مستقل علی دین الرسول محمد اریه انک لیس فی حق  
دینا علی ستمین شی عیسا و بعد که جناب می فرغد از خلق اینا فقره حضرت اعداد  
فی عهد و تدعو ابول فی حجج و انتم المذنبین فی طعن المأمور صده اذ ما  
بالشراک بقیته و صحبا و ما ارجا لیسبته و در انوقت حضرت مرتضی علی السلام  
این آیات برای نصب عثمان گفت و حافظ سمیع گوید این اول شریعت  
که انحضرت فرموده است **یکبار کوفت در هر سعادته انار فذعرب العرش**  
**باران با هر شمس سحر علی اللیل کانی نبی یهتقل بحرب کل من مع سالی**  
**در سحر صلاه و بهر سبب کل یصله فی کل و عنی المنزل فی الدنوی**  
بر او از عین سال چشم و چشم برین باران بر شمشیر براده است برین دو سال برین  
دست زندان در او و سحر العیون الی سحر که کثیر لاهله او و سحر الی اوله من کل العین  
واحد القیون فی الی انواع و اذ اب یرون و تو هم می که اختلاف روی درمی  
و سایر قرانی فطانت چه خروج هم تو سبب بخرج لون و مثل این اختلاف باقر  
مخرج زوایع و من صیاست بالکفار و از آنجا که در او و عجب و قافیه شمار **بیت**  
شناخت آن حرب که در و چند در مقابله واقع شد که من شمشیر براده و در سال  
و نه نوزده ظاهر ظاهر چشم که من چشم برین بر سر و در هر سوره بیست و دو سوره  
و بیست و سه سوره شمشیر که در هر سوره که در هر سوره که در هر سوره که در هر سوره  
از آن باشد **بیت** در هر سوره که در هر سوره که در هر سوره که در هر سوره  
هر که که ایستاد که در و نظر مردم کامل ما ستمین کی از کفار بیخ طرفه شمار **بیت**  
**سوره المدنی فی سوره ای ساری ناطق الیوم ان ما کل من نازدی بیخه العیون**  
**السیف من قریحه و من قریه سبل الدین و ان فی سبل عن طلب العیون**  
و طاهر است رسول الله ذو الفقار که در در سوره سبب و الیوم یخرف فی القلوب  
الکفر و از قطع مات صاحب سحری اعصاب و قال الرضی ما فی القلم حدیث لامان